

در امتداد روشنائی

خط قرمز!

دیگر کار را فراموش کردم و تنها به مصرف ادامه می دادم. خیلی زود از نوک قله به عمق دره سقوط کردم و زندگی ام رو به تباهی گذاشت. همسرم که تازه پی به عمق فاجعه هولناک زندگی اش برده بود با خود می اندیشید که یا رویاهای گذشته اش اشتباه بوده یا من اشتباهی وارد آرزوهایش شده ام! تلاش های عاشقانه او برای بیرون کشیدن من از این منجلاب هیچ نتیجه ای نداشت و او مایوس و ناامید در حالی به زندگی با من ادامه می داد که شاید روزی خداوند دستم را بگیرد و روز نه ای برای رهایی من از گرداب مواد افیونی و الککل سوسو بزند.

در این شرایط بود که دیگر وقتی برای نوشتن نداشتم و بیشتر اوقات بر پای بساط مواد مخدر می گذراندم. به پیشنهاد همسرم قرار شد به مشهد بیایم تا شاید گره مشکلات در شهر خواب های شهر نشسته و آواز می خواندن من هم از کنار آن ها عبور کردم و در اتاق نمودر قدیمی یکی از دوستانم در منطقه جنوب غربی پایتخت پای بساط مواد مخدر نشستم و با اولین بار مصرف مواد همه چیز را فراموش کردم حتی حیرانی و سرگردانی ام را در تهران از یاد بردم جسارتی یافته بودم که گویی فرمانده ای اسطوره ای هستم که رویاروی هزاران دشمن قرار گرفته ام تا همه آن ها را نابود کنم!

از آن روز به بعد آن اتاق تاریک و نمودر پناهگاه عاشقانه ام بود و هر از گاهی نزد دوست قدیمی ام می رفتم و در حالی به مصرف مواد ادامه می دادم که یک اتفاق مرا که در رشته علوم انسانی تحصیل کرده بودم به خبرنگاری در مطبوعات کشاند و مشغول کار شدم. در همین روزها بود که نیمه گمشده دیگر زندگی ام را نیز پیدا کردم و عاشق دختر زیبایی شدم که قلب مهرش سراسر وجودم را می لرزاند.

او هم دل باخته من بود به گونه ای که احساس می کردم ماجرای شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون دوباره تکرار می شود. از آن روز به بعد چنان جملات ادیبانه ای در نوشته هایم به کار می بردم که حتی داستان های عاشقانه شکسپیر را هم به تمسخر می گرفتم. خلاصه طولی نکشید که راه پیشرفت باز شد و پله های مدیریتی را نیز طی کردم تا به دبیر سرویس یکی دو تا از روزنامه های مشهور و معتبر تهران رسیدم. این در حالی بود که هر روز بر میزان مصرفم افزوده می شد. تصورم بر این بود که با مصرف الککل و مواد بیخ افکارم بازی می شود و مطالبی را می نویسم که حتی داوران جشنواره های مطبوعاتی هم در حیرت بمانند. در واقع مصرف می کردم تا کار کنم و کار می کردم تا مصرف کنم! ولی دیری نگذشت که ماجرای واقعی با همکاری انجمن الکلی های گمنام

از دبیر سرویس روزنامه های مشهور و معتبر تهران به کار گری در یکی از مشاغل کاذب شهری سقوط کرده بودم. مواد مخدر و الککل تار و پود وجودم را از هم گسسته بود به گونه ای که دیگر حتی تزریق آن هم نیازم را پاسخ نمی داد. احساس کردم حتی برای دوستان هم بساطی ام خط قرمز شده ام این بود که روزی همه جنس های مصرفی ام را درون سرویس بهداشتی ریختم و ...

عضو انجمن الکلی های گمنام با بیان این جملات به تشریح سرگذشت خود پرداخت و ادامه داد: سال ها قبل زمانی که از دانشگاه دانش آموخته شدم در جست و جوی شغلی مناسب و طی کردن پله های ترقی به تهران رفتم. درست در یک شب سرد زمستانی که غغد شوم مرگ بر شانه های خسته و رنجور کارتن خواب های شهر نشسته و آواز می خواندن من هم از کنار آن ها عبور کردم و در اتاق نمودر قدیمی یکی از دوستانم در منطقه جنوب غربی پایتخت پای بساط مواد مخدر نشستم و با اولین بار مصرف مواد همه چیز را فراموش کردم حتی حیرانی و سرگردانی ام را در تهران از یاد بردم جسارتی یافته بودم که گویی فرمانده ای اسطوره ای هستم که رویاروی هزاران دشمن قرار گرفته ام تا همه آن ها را نابود کنم!

از آن روز به بعد آن اتاق تاریک و نمودر پناهگاه عاشقانه ام بود و هر از گاهی نزد دوست قدیمی ام می رفتم و در حالی به مصرف مواد ادامه می دادم که یک اتفاق مرا که در رشته علوم انسانی تحصیل کرده بودم به خبرنگاری در مطبوعات کشاند و مشغول کار شدم. در همین روزها بود که نیمه گمشده دیگر زندگی ام را نیز پیدا کردم و عاشق دختر زیبایی شدم که قلب مهرش سراسر وجودم را می لرزاند. او هم دل باخته من بود به گونه ای که احساس می کردم ماجرای شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون دوباره تکرار می شود. از آن روز به بعد چنان جملات ادیبانه ای در نوشته هایم به کار می بردم که حتی داستان های عاشقانه شکسپیر را هم به تمسخر می گرفتم. خلاصه طولی نکشید که راه پیشرفت باز شد و پله های مدیریتی را نیز طی کردم تا به دبیر سرویس یکی دو تا از روزنامه های مشهور و معتبر تهران رسیدم.

این در حالی بود که هر روز بر میزان مصرفم افزوده می شد. تصورم بر این بود که با مصرف الککل و مواد بیخ افکارم بازی می شود و مطالبی را می نویسم که حتی داوران جشنواره های مطبوعاتی هم در حیرت بمانند. در واقع مصرف می کردم تا کار کنم و کار می کردم تا مصرف کنم! ولی دیری نگذشت که ماجرای واقعی با همکاری انجمن الکلی های گمنام



دوم ساختمان در حال احداث رفتند و گروهان را که در شرایط اسفباری با دست و پا های بسته و وضعیت زندگی اورا به طور نسبی می دانستند. وی یادآور شد: نتیجه این تحقیقات میدانی گسترده اطلاعاتی بیانگر آن بود که پسر مردی که قبلا به عنوان راننده، پزشک را از مطب به محل سکونتش می رساند، نه تنها بیکار است بلکه از وضعیت اجتماعی و اخلاقی مناسبی نیز برخوردار نیست! به همین دلیل بخشی از تحقیقات کارآگاهان نیز درباره «رضا» (فرزند مرد راننده) متمرکز شد که در همان منطقه شهر ک شهید رجایی سکونت داشت. سردار سرتیپ دوم محمد کاظم تقوی خاطر نشان کرد: تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده نیز نشان داد که آدم ربایان از یک دستگاه پراید برای ارتکاب جرم استفاده کرده اند که بررسی های میدانی مشخص کرد خواهر «رضا» پرایدی با مشخصات مذکور دارد بنابراین با هماهنگی قاضی عندلیب (معاون دادستان مرکز

نیز کشف شد. فرمانده حافظان امنیت استان خراسان رضوی خاطرنشان کرد: ادامه بررسی های کارآگاهان پلیس آگاهی بیانگر آن بود که «رضا» جوان ۳۶ ساله بیکار و مجرد به دلیل آن که پدرش قبلا به عنوان راننده، پزشک مذکور را به محل سکونتش می رساند، از وضعیت مالی او اطلاع یافته بود چرا که برخی اوقات نیز رضا در نبود پدرش این پزشک را با خود و به محل زندگی اش در خیابان کوهسنگی می رساند که دچار وسوسه های شیطانی برای اخاذی از وی شده بود اما به خاطر این که پزشک یاد شده او را نشانسد با همدستی دو نفر از دوستانش به نام های علی ۳۰ ساله و عماد ۳۱ ساله و در حالی که نقاب به چهره داشتند او را از منطقه کوهسنگی به زور داخل پراید انداخته و به ساختمان در حال احداث متعلق به مادر علی انتقال داده بودند.

سردار محمد کاظم تقوی ضمن قدردانی از سربازان گمنام امام زمان (عج)، کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی و همچنین مقامات قضایی تصریح کرد: تحقیقات بیشتر برای کشف زوایای این پرونده همچنان ادامه دارد.

وقوع درگیری عزیمت کرد و به تحقیق در این باره پرداخت. بررسی های مقدماتی حکایت از اختلافات قبلی در این نزاع مرگبار دارد اما تحقیقات بیشتر با صدور دستورات ویژه قضایی توسط کارآگاهان اداره جنایی برای ردیابی متهمان فراری آغاز شده است.

غیر محسوس این پرونده را پیگیری خواهد کرد. سردار تقوی با تاکید بر این که حفظ جان گروهان مهم تر از سرعت عمل پلیس در این ماجرا بود، تصریح کرد: همه شیوه های اطلاعاتی برای شناسایی مخفیگاه آدم ربایان با همکاری بی شائبه سربازان گمنام امام زمان (عج) به کار گرفته شد و گروه ورزیده کارآگاهان در چند شاخه اطلاعاتی - عملیاتی وارد عمل شدند و در اولین مرحله از عملیات نامحسوس به محل مطب گروهان در منطقه شهر ک شهید رجایی مشهد عزیمت کردند چرا که محل رایش طعمه آدم ربایان مشخص نبود! مقام ارشد انتظامی خراسان رضوی با ابراز تاسف از این که بعضی متصدیان مشاغل خاص، گاهی توصیه های دلسوزانه پلیس را جدی نمی گیرند، ادامه داد: در تحقیقات میدانی مشخص شد که پزشک مذکور در شفیت بعد از ظهر معالجه بیماران، منشی نداشته و به تنهایی در مطب مشغول مداوای بیماران می شد. از سوی دیگر نیز هیچ گونه دور بین مدار بسته ای در آن محل وجود نداشت



تصاویر متهمان به گروهان گیری دقایقی بعد از دستگیری

که همین موضوع بر روند تحقیقات کارآگاهان تاثیر گذار بود از طرف دیگر ادامه بررسی هان نشان داد پزشک یاد شده با استفاده از اتوبوس و مترو به منزلش واقع در خیابان کوهسنگی رفت و آمد می کرد که با پیگیری مسیر رفت و آمد وی، محل جغرافیایی آدم ربایی مشخص شد و به این ترتیب رصدهای اطلاعاتی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به کمربند سبز مشهد کشید جایی که ردیابی های کارآگاهان از حضور آدم ربایان در آن بزرگراه ادامه داشت.

سردار تقوی که تا توجه به اهمیت این گونه جرایم شخصا بر عملیات های انتظامی نظارت می کند

خراسان رضوی) و همچنین دستورات قاضی امیری (باز پرس پرونده در شعبه ۴۱۰ مجتمع قضایی شهید بهشتی مشهد)، عملیات ضربتی کارآگاهان پس از شناسایی مخفیگاه آدم ربایان در خیابان شهید بسکابادی آغاز شد و کارآگاهان دایره مبارزه با آدم ربایی در حالی نیمه شب وارد یک ساختمان دو طبقه در حال احداث شدند که دو عضو باند در طبقه پایین ساختمان و عضو دیگر نیز که متاهل بود در همان نزدیکی و در منزلش به کید افتادند.

خراسان رضوی) و همچنین دستورات قاضی امیری (باز پرس پرونده در شعبه ۴۱۰ مجتمع قضایی شهید بهشتی مشهد)، عملیات ضربتی کارآگاهان پس از شناسایی مخفیگاه آدم ربایان در خیابان شهید بسکابادی آغاز شد و کارآگاهان دایره مبارزه با آدم ربایی در حالی نیمه شب وارد یک ساختمان دو طبقه در حال احداث شدند که دو عضو باند در طبقه پایین ساختمان و عضو دیگر نیز که متاهل بود در همان نزدیکی و در منزلش به کید افتادند.

سردار محمد کاظم تقوی ضمن قدردانی از سربازان گمنام امام زمان (عج)، کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی و همچنین مقامات قضایی تصریح کرد: تحقیقات بیشتر برای کشف زوایای این پرونده همچنان ادامه دارد.

قتل مرد جوان با ضربات چماق!

انتظامی آبروان به قتل رساندند. با گزارش وقوع این جنایت به قاضی ویژه قتل عمد مشهد، بلافاصله قاضی کاظم میرزایی، شبانه به محل حمله ور شدند و او را در حوزه استحفاظی پاسگاه

۲ بامداد روز گذشته زانی رخ داد که حدود هفت مهاجم با چوب و چماق به جوانی حدود ۳۵ ساله حمله ور شدند و او را در حوزه استحفاظی پاسگاه

سجاد پور - اعضای یک باند سه نفره که پزشک عمومی را برای اخاذی ۲۰۰ سکه طلا در مشهد ربودند، پس از ۹ روز تلاش شبانه روزی کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی و با همکاری صمیمانه سربازان گمنام امام زمان (عج) اداره کل اطلاعات خراسان رضوی در حالی دستگیر شدند که پزشک گروهان را درون یک آلونک پلاستیکی و با قفل وزنجیر به ستون فلزی بسته بودند!

فرمانده انتظامی خراسان رضوی پنجشنبه گذشته و ساعاتی بعد از عملیات ضربتی رهایی گروهان در تشریح ماجرای این پرونده به خراسان گفت: حدود ساعت ۹:۳۰ بیست و سوم دی، یک پزشک متخصص زنان و زایمان در حالی که به شدت نگران بود با پلیس تماس گرفت و مدعی شد «همسرم که پزشک عمومی است با گوشی تلفن همراهش با من تماس گرفته که گفته که در چنگ آدم ربایان اسیر شده ام و من باید ۲۰۰ سکه طلا برای آزادی او فراهم کنم!» ولی در همین هنگام ناگهان مرد دیگری گوشی را از دست همسرم گرفت و از آن سوی خط گفت: «شوهرت را ربوده ایم فقط ۲۰۰ سکه طلا جور کن تا بعد تماس بگیریم!»

سردار محمد کاظم تقوی افزود: به دنبال اظهارات این پزشک متخصص، بلافاصله نیروهای کالانتری شهید رجایی وارد عمل شدند و به تحقیق مقدماتی پرداختند اما با توجه به اهمیت و حساسیت این گونه جرایم، ماجرای آدم ربایی به دیگر یگان های اطلاعاتی و امنیتی نیز گزارش شد و پرونده مذکور برای پیگیری تخصصی و حرفه ای در اختیار کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت.

وی اضافه کرد: بی درنگ گروه زبده ای از کارآگاهان مامور رسیدگی به ماجرای آدم ربایی شدند و در همان نیمه شب جلسات تجزیه و تحلیل های اطلاعاتی و کارشناسی را با حضور رئیس پلیس آگاهی و رئیس اداره جنایی تشکیل دادند. رئیس پلیس سرزمین خورشید ادامه داد: در حالی که عملیات ردیابی و رصد های اطلاعاتی برای شناسایی آدم ربایان آغاز شده بود، همزمان آموزش های لازم به خانواده پزشک گروهان نیز ارائه شد تا هنگام تماس با گروهان گیران خونسردی خود را حفظ کنند و در آرامش به تماس ها پاسخ دهند چرا که پلیس در کنار آن ها خواهد بود و برای آن که آسیبی به فرد گروهان نرسد، به طور شبانه روزی و

سجاد پور - جوانی که با ضربات چماق مهاجمان در روستای آبروان مشهد، مجروح شده بود، پس از انتقال به مرکز درمانی جان سپرد و به این ترتیب پرونده جنایی دیگری روی میز قاضی ویژه قتل عمد گشوده شد.

به گزارش خراسان، این حادثه تلخ ساعت

منافسه خرید پلاستیک رکابی ۴۵×۳۵ و پلاستیک رولی



استان خراسان رضوی

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

۹۸/۱۱/۱۳

